بررسی جامعه‌شناختی مشارکت اجتماعی معلمان و عوامل مؤثر بر آن

دکتر حامد شیری[۱]
محمدرضا نصیری[۲]

چکیده

مشارکت اجتماعی فرایندی است آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر داشتن اهدافی معین که یکی از ویژگیهای توسعه اجتماعی و متغیری تأثیرگذار در توسعه همه‌جانبه و از موضوعات اصلی در مطالعات توسعه است. در مقاله حاضر ضمن توصیف مشارکت اجتماعی، تلاش شده است تا با اتخاذ رویکردی نظری، عوامل مؤثر بر آن به شیوه ای تجربی در شهرستان تکاب بررسی شود. پیش‌فرض مقاله این است که بخشی از زمینه‌ها و علل توسعه نیافتگی شهرستان تکاب متأثر از بی‌توجهی و عدم مشارکت شهروندان و انفعال آنها در مواجهه با مسائل و موضوعات مبتلابه شهرستان است. از نظر روش‌شناختی این مطالعه به شیوه مطالعات پیمایشی و با کاربرد تکنیک پرسشنامه در میان معلمان شهرستان تکاب در استان آذربایجان غربی به اجرا در آمده است. حجم نمونه ۲۵۵ نفر بوده است که با شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب، نمونه‌ها انتخاب شده و مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که میزان مشارکت اجتماعی در میان معلمان چندان مطلوب نیست و در مؤلفه‌های مشارکت اجتماعی (مشارکت در فعالیتهای عام‌المنفعه، مشارکت در فعالیتهای شهری و محلی و عضویت در تشکلها) سطح مشارکت تقریباً پایین‌تر از متوسط است. در بعد تبیینی تحلیل نتایج نشان می‌دهد که شاخصهای «انسجام اجتماعی»، «احساس بی‌قدرتی»، «سن» و «میل به پیشرفت» به ترتیب بیشترین تأثیر را بر مشارکت اجتماعی معلمان دارند و می‌توانند بیش از ۴۰ درصد از واریانس مشارکت اجتماعی را تبیین کنند.

کلید واژگان: مشارکت اجتماعی، معلمان، توسعه اجتماعی، شهرستان تکاب

تاریخ دریافت: ۹۶/۷/۲۳ تاریخ پذیرش: ۹۷/۷/۲

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور hamedshiri2003@yahoo.com
۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی و دبیر آموزش و پرورش تکاب (نویسنده مسئول) reza_g2496@yahoo.com

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1398.16.1.3.8]

مقدمه

مشارکت اجتماعی فرایندی است که افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر داشتن اهدافی مشخص که منجر به سهیم شدن آنها در منابع اجتماعی می‌شود در آن شرکت می‌کنند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰). مشارکت اجتماعی امروزه یکی از مؤلفه‌های اصلی توسعه اجتماعی ـ اقتصادی است و مفهوم و موضوع آن بخشی از ادبیات توسعه را تشکیل می‌دهد. برخی مشارکت اجتماعی را ایجاد فرصتهای توانمند ساختن همه اعضای جامعه برای همکاری فعالانه، نفوذ بر فرایند توسعه و سهیم شدن در منافع حاصل از توسعه می‌دانند (به نقل از اسدپور و همکاران، ۱۳۹۷). توجه به این پدیده و تأکید بر نقش آن به منزلهٔ یکی از عوامل اصلی توسعه در جوامع در حال‌گذار تا حد بسیار زیادی پس از شکست راهکارها و برنامه‌های توسعه در دهه‌های ۵۰ و۶۰ میلادی متجلی شده است. لذا از آن پس در استراتژیهای توسعه بر رویکرد مشارکت مردمی به عنوان یکی از نیازهای اصلی بشر تأکید شده است (وحیدا و نیازی، ۱۳۸۳).

از این روست که امروز در اندیشه متفکران اجتماعی مشارکت اجتماعی از محورهای اصلی توسعه همه‌جانبه قلمداد می‌شود. پاتنام[1] در چارچوب مباحث سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد که مشارکت اجتماعی به مثابه یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی نقشی انکارناپذیر در توسعه سیاسی (تقویت و گسترش نهادهای دموکراتیک) و توسعه اقتصادی در سطوح ملی و منطقه‌ای دارد. شبکه‌های مشارکت مدنی، هنجارهای محکمی از همیاری تعمیم‌یافته را رواج می‌دهند، اعتماد اجتماعی را تقویت می‌کنند و موجب تسهیل همکاری و ارتباطات و افزایش اعتبار می‌شوند و کنش جمعی را ساده و روان می‌کنند (پاتنام، ۱۹۹۵). فوکویاما[2] (۲۰۰۰) نیز با تفکیک مشارکتهای اجتماعی داوطلبانه از انواع دیگر، این نوع فعالیتها را به سبب برخورداری از اعتماد برون‌گروهی، مولد سرمایه اجتماعی و مفید به حال جامعه مدنی می‌داند.

با وجود این، مسئله پژوهش حاضر معضل کلان کنش جمعی و موانع مشارکت اجتماعی در سطوح مختلف جامعه ایران است. مطالعات انجام شده (سریع‌القلم، ۱۳۹۶؛ عظیمی، ۱۳۹۳؛ پیران، ۱۳۷۷) چالشهای اساسی در ساختار روابط اجتماعی و کنش جمعی را در جامعه ایران بازگو می‌کنند که در آن ضعف کنش جمعی با رواج گسترده فردگرایی در اشکال منفی آن همراه شده است. رفتارهایی مانند عهدشکنی، بی‌اعتمادی، کلاهبرداری، بهره‌کشی، قانون‌گریزی، نظم‌گریزی و خشونت در جامعه ما تجلیات اولیه فردگرایی خودخواهانه و سست‌شدن پیوندهای اجتماعی است.

1. Putnam
2. Fukuyama

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1398.16.1.3.8]

این درحالی است که اهمیت مشارکت اجتماعی در کشورهای در حال توسعه مانند ایران به دلیل برخورداری از منابع انسانی و ضرورت بسیج آنها در قالب مشارکت مؤثر و سازمان‌یافته در فرایند توسعه متوازن و پایدار جایگاهی ویژه می‌یابد.

در این چارچوب مسئله مقاله حاضر بررسی مشارکت اجتماعی در شهرستان تکاب ـ در استان آذربایجان‌غربی ـ و عوامل مؤثر بر آن است. شهرستان تکاب با وجود قدمت زیاد نسبت به سایر شهرهای استان آذربایجان غربی و داشتن قابلیتهای بالای اقتصادی (دارا بودن بزرگترین معادن طلای خاورمیانه و همچنین برخورداری از دهها معدن فعال و غیرفعال دیگر، بسترهای غنی برای کشاورزی و تولیدات دامی، صنایع‌دستی شاخص و با اعتبار جهانی)، اجتماعی (تنوع فرهنگی، قومی و مذهبی همراه با همزیستی مسالمت‌آمیز تاریخی) و ظرفیت بالای گردشگری و برخورداری از ابنیه و آثار تاریخی شناخته شده در مقیاس جهانی و همچنین ظرفیتهای بالای فرهنگی، از توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی مناسب برخوردار نیست و از محروم‌ترین شهرستانهای استان به شمار می‌رود. تجربه زیسته پژوهشگران حاکی از آن است که در شهر تکاب مشارکت و فعالیتهای انجمنی ـ مدنی و داوطلبانه در پایین‌ترین سطح ممکن است. جز معدود مؤسسات خیریه و کانونهای هنری، از تشکلهای اجتماعی و انجمنهای غیردولتی که بتوانند مشارکت عمومی را جلب کنند و در حیات اجتماعی شهر نقش داشته باشند، اثری وجود ندارد. نشریات و فعالیتهای رسانه‌ای به مثابه یکی از رکنهای جامعه مدنی دچار رکود کامل اند؛ همیاری محلی به مثابه پدیده‌ای عام صرفاً به مناسبتها و مناسک عمدتاً مذهبی تقلیل یافته است و در سالهای اخیر عملاً نمودی بارز و شاخص از مشارکت اجتماعی (جز در مشارکتهای سیاسی انتخاباتی) در شهر دیده نمی‌شود. در پژوهش حاضر با این پیش‌فرض که بخشی از زمینه‌ها و علل توسعه‌نیافتگی شهرستان تکاب متأثر از بی‌توجهی و عدم مشارکت شهروندان و انفعال آنها در مواجهه با مسائل و موضوعات مبتلابه شهرستان تکاب است، تلاش شده است که این موضوع به شیوه‌ای تجربی در میان یکی از گروههای مهم، تأثیرگذار و مرجع یعنی معلمان مورد مطالعه قرار گیرد و ضمن توصیف میزان مشارکت اجتماعی آنان عوامل مؤثر بر این مشارکت با رویکردی جامعه‌شناختی تبیین شود.

تأملی بر مطالعات پیشین

با توجه به اهمیت مشارکت اجتماعی و نقش آن در تحقق بخشیدن به توسعه پایدار، مطالعات بسیاری در داخل و خارج از کشور در این زمینه انجام شده است. برخی از این مطالعات تلاش کرده‌اند تا به تبیین مشارکت اجتماعی بپردازند و عوامل فردی یا اجتماعی و کلان مؤثر بر این

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1398.16.1.3.8]

پدیده را مورد بررسی قرار دهند. مطالعه یزدان‌پناه (۱۳۸۶) با عنوان «موانع مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی»، پژوهش دهقان و غفاری (۱۳۸۴) با عنوان «تبیین مشارکت اجتماعی ـ فرهنگی دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی شهر تهران» و پژوهش احمدوند و شریف‌زاده (۱۳۹۰) در مورد «تعیین‌کننده‌های مشارکت اجتماعی زنان روستایی» از جمله این پژوهشهاست که با رویکردی نظری و تبیینی نسبتاً جامع نقش متغیرهای اجتماعی در مشارکت اجتماعی را بررسی می‌کنند. اسدپور و همکاران (۱۳۹۷) نیز در مطالعه خود بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت در ابعاد رسمی و غیررسمی را مورد مداقه قرار داده‌اند.

برخی دیگر از این پژوهشها با اتخاذ رویکرد محدود و تبیینی رابطه مشارکت را با سایر متغیرهای اجتماعی تحلیل کرده‌اند. نوابخش و همکاران (۱۳۹۳) و همچنین ناطق‌پور و گلابی (۱۳۸۵) در مطالعاتی نسبتاً مشابه رابطهٔ اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی ـ به مثابه دو مؤلفه مهم سرمایه اجتماعی ـ را مورد سنجش قرار داده‌اند. ازکیا و غفاری (۱۳۸۰) نیز در مطالعه خود تأثیر انسجام اجتماعی بر مشارکت اجتماعی سازمان‌یافته روستاییان را مورد تاکید قرار داده‌اند و محسنی‌تبریزی (۱۳۷۵) رابطه بین بیگانگی و مشارکت اجتماعی ـ سیاسی را با این فرض که بیگانگی مانعی برای تحقق یافتن مشارکت ملی است، بررسی کرده است. در وجهی مقابل، مطالعات دیگر به پیامدها و اثرات تعیین‌کننده مشارکت اجتماعی مانند شادی و نشاط (پناهی و دهقانی، ۱۳۹۱)، سلامت (محمدی و ستاره‌فروزان، ۱۳۹۲) و بهبود کیفیت زندگی (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۲) توجه نشان داده‌اند.

برخی دیگر از پژوهشهای این حوزه میزان مشارکت اجتماعی را در جامعه‌های آماری متفاوت و میان گروههای گوناگون با توجه به نقش آنها در جامعه مورد سنجش قرار داده‌اند. موانع مشارکت اجتماعی زنان در فرایند توسعه اجتماعی پژوهشی است که اعظم‌آزاده و مشتاقیان (۱۳۹۵) انجام داده‌اند. خانیکی و الوندی (۱۳۹۰) گونه نوین مشارکت اجتماعی یعنی مشارکت اجتماعی آنلاین را مورد توجه قرار داده و به مشارکت اجتماعی آنلاین و نقش آن در توسعه اجتماعات محلی در ایران پرداخته اند.

پژوهشهای خارجی نیز طیفی متنوع از پژوهشها را شامل می‌شوند که مشارکت اجتماعی را از دیدگاههای گوناگون مورد توجه قرار داده‌اند: کلی[1] (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان «مشارکت شهری و اعتماد اجتماعی در میان اقلیت جوانان» به این نتیجه رسیده که گروههای جوانان اقلیت، معتاد به

1. Kelly

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1398.16.1.3.8]

مواد مخدر و آنهایی که کیفیت زندگی پایینی دارند از مشارکت اجتماعی پایینی نیز برخوردارند. فیلیپس[1] (۱۹۶۷) با مطالعه رابطه مشارکت اجتماعی و شادی اظهار می‌دارد که مشارکت اجتماعی در افزایش سطح شادی و سایر عواطف مثبت دارد. همچنین نتایج مطالعه لی[2] و همکاران (۲۰۰۸) نشان می‌دهد که خودارزیابی تندرستی[3] با مشارکت اجتماعی در همهٔ گروههای سنی رابطه دارد. مطالعه سیرون و دبراند[4] (۲۰۰۸) نیز بیانگر این است که میزان بالاتری از مشارکت اجتماعی می‌تواند وضعیت سلامت را در اکثر کشورها بهبود بخشد. گراینر[5] و همکاران (۲۰۰۴) نیز با استناد به داده‌های پژوهش خود استدلال کرده اند که افراد ساکن روستا از بالاترین مشارکت اجتماعی برخوردارند.

مقاله حاضر نیز در تداوم و توسعه مطالعات معطوف به مشارکت اجتماعی تلاش کرده است تا میزان این مشارکت را در میان بخش خاصی از گروههای اجتماعی یعنی معلمان و در شهرستان تکاب مورد سنجش قرار دهد و عوامل اجتماعی تاثیرگذار بر این مشارکت را شناسایی و تبیین کند.

مبانی نظری

مشارکت اجتماعی به مثابه فعالیتهای داوطلبانه و ارادی افراد در امور جامعه خود (غفاری، ۱۳۸۰) هم از منظر جامعه‌شناختی و هم از چشم‌انداز روانشناختی و به بیان دقیق‌تر روانشناسی اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. در پژوهش حاضر تلاش شده است با اتخاذ رویکرد تلفیقی برخی از تبیینهای برجسته که به نظر می‌رسد با وضعیت جامعه مورد مطالعه انطباق بیشتری دارند، مورد توجه قرار گیرند و فرضیات مستخرج از آنها مورد آزمون تجربی قرار گیرد.

شاخص‌ترین تبیین جامعه‌شناختی از مشارکت اجتماعی تبیینی است که از رویکرد ساختی- کارکردی به مسئله مشارکت و موانع مشارکت اجتماعی می‌نگرد. دورکیم[6] مشارکت اجتماعی را پدیده‌ای می‌داند که نیازمند انسجام و همبستگی میان افراد جامعه است. همان گونه که وجدان جمعی حاصل یک روح و حرکت جمعی است، مشارکت هم می‌تواند تحت یک روح جمعی شکل گرفته و موجبات همبستگی افراد را فراهم آورد (دورکیم، ۱۳۸۱). در رویکرد ساختی- کارکردی انسجام اجتماعی پایهٔ نظم اجتماعی را شکل می‌دهد و گسترش زمینه‌های وفاق و همبستگی موجبات فعالیت و مشارکت گستردهٔ افراد جامعه را تسهیل می‌کند. به اعتقاد دورکیم

1. Philips
2. Lee
3. Self-rated health
4. Sirven & Debrand
5. Greiner
6. Durkheim

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1398.16.1.3.8]

همبستگی اجتماعی وحدت گروه را تأمین می‌کند و متقابلاً ماهیت و طبیعت گروه نیز خصایص این همبستگی را به آن ارزانی می‌دارد (همان منبع). بر این اساس بدون احساس همبستگی میان افراد مشارکت مؤثر، آگاهانه و داوطلبانه تحقق پیدا نمی‌کند.

احساس بی‌هنجاری و احساس بی‌قدرتی به مثابه مؤلفه‌های بیگانگی اجتماعی (ملوین سیمن[1]، به نقل از یزدان‌پناه، ۱۳۸۶)ـ که خود ممکن است نتیجه فقدان همبستگی اجتماعی و وجه مقابل آن باشد ـ نیز در سطحی متفاوت از همبستگی اجتماعی می‌تواند بخشی از تغییرات مشارکت اجتماعی را تبیین کند. احساس بی‌هنجاری حاکی از سرگشتگی انسان و نبود قانون و دستورالعمل برای رفتار است (سیمن، ۱۹۵۹). در چنین حالتی فرد ممکن است دست به رفتارهای نابهنجار بزند و خود را از عضویت جامعه خلع کند. اگر مشارکت را کنشی اجتماعی محسوب کنیم، افراد زمانی به این کنش مبادرت می‌کنند که با جامعه احساس بیگانگی نکنند (روشه[2]، ۱۳۹۱). احساس بی‌قدرتی عبارت از این تصور است که فرد احتمال می‌دهد که عمل او بی‌تأثیر باشد و نتایج مورد انتظار او را برآورده نسازد (محسنی‌تبریزی، ۱۳۷۵). احساس بی‌قدرتی نقطه مقابل احساس کارآمدی و اثرگذاری است. اگر افراد احساس کنند تلاشهای آنها تأثیری بر تعیین مسیر وقایع سیاسی و اجتماعی ندارد، مسلماً مشارکت کمتری در فعالیتهای سیاسی و اجتماعی خواهند داشت (سیمن، ۱۹۵۹).

بررسی نقش اعتماد اجتماعی در توسعه فعالیتهای مشارکتی فرضیه مهم دیگری است که در نظریه‌های جامعه‌شناختی به‌ویژه در مطالعات مرتبط با حوزه سرمایه اجتماعی مورد تاکید قرار گرفته است (پاتنام، ۱۳۸۰؛ کلمن[3]، ۱۳۸۶؛ فوکویاما، ۱۳۸۴). اعتماد اجتماعی تقویت‌کننده همبستگی اجتماعی و بسترساز مشارکت اجتماعی است. به نظر پاتنام (۱۳۸۰) اعتماد اجتماعی سبب افزایش شبکه‌های مشارکت مدنی می‌شود و در مقابل همکاری فزاینده خود به اعتماد بیشتر می‌انجامد. اینگلهارت[4] (۱۳۷۳) نیز استدلال می‌کند که تقویت حوزه کنش و تصمیم‌گیری وابسته به قابل پیش‌بینی بودن رفتارهاست و این امر تنها به سبب ایجاد اعتماد متقابل ممکن می‌شود.

فراهم بودن زمینهٔ مناسب برای مشارکت در جامعه با امنیت اجتماعی در ارتباط است. وجود ناامنی در جامعه سبب کاهش مشارکتهای مردمی می‌شود. زمانی که افراد در اجتماع احساس امنیت کنند، رغبت آنها برای گرایش به کارهای جمعی بیشتر می‌شود و فعالیتهای سالم زمینهٔ بروز پیدا

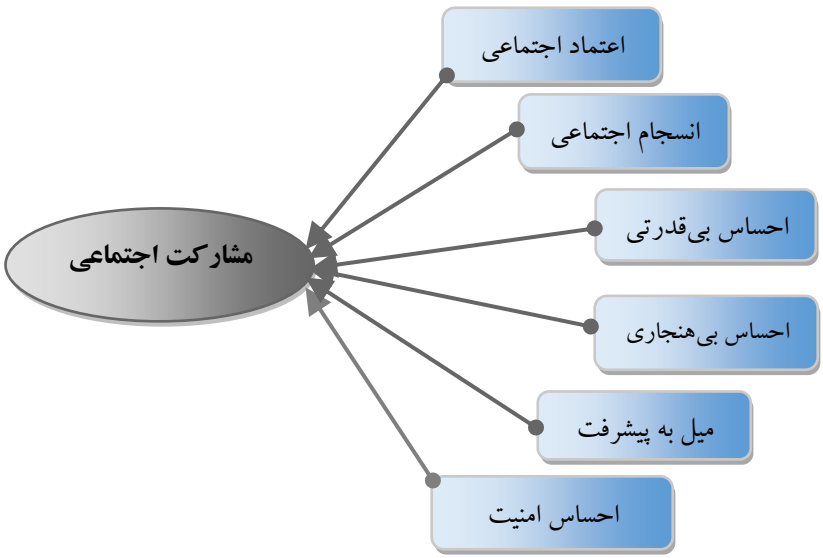
1 Seeman
2. Roche
3. Coleman
4. Inglehart

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1398.16.1.3.8]

می‌کنند و افراد می‌توانند آزادانه عقاید و نظرات خود را برای اصلاح امور جاری، ارائه دهند و مشارکت فعالانه برای تغییر اجتماعی داشته باشند. اگر مردم در جامعه به آینده خود امیدوار باشند و به اهداف و انتظارات خودشان دست پیدا کنند از نظر روانی به امنیت می‌رسند و می‌توانند به مشارکت فکر کنند (آوانت[1]، ۲۰۰۷).

تبیینهای روان‌شناختی مشارکت اجتماعی نقش متغیرهای فردی و روانی را در کنشهای اجتماعی برجسته می‌سازند. نظریه «نیاز به موفقیت» مک کله‌لند[2] (۱۹۶۵) از جمله این تحلیلهاست که با رویکرد روانشناسانه به موضوع مشارکت اجتماعی توجه نشان داده است. مک کله‌لند استدلال می‌کند که اگر در جامعه‌ای روحیهٔ نیاز به موفقیت بالا باشد می‌توان انتظار تلاش بیشتر برای دستیابی به توسعه را داشت و در جوامع امروزی توسعه جز با مشارکت تحقق نمی‌پذیرد. از آنجایی که موفقیت، فضیلتی اجتماعی به شمار می آید و مشارکت عملی است که می‌تواند موفقیت و پیشرفت به همراه آورد، بنابراین این امر می‌تواند انگیزه‌ای باشد برای اینکه افراد در کارهای جمعی و گروهی شرکت کنند.

با استناد به دیدگاههای نظری فوق می‌توان مدل تبیینی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی را در شکل شماره ۱ نشان داد.



شکل شماره ۱: مدل تبیینی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی

1. Avant
2. McClelland

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1398.16.1.3.8]

روش‌شناسی تحقیق

از نظر روش‌شناختی، این مطالعه به شیوه پیمایشی و با کاربرد تکنیک پرسشنامه به اجرا درآمده است. جامعه آماری همهٔ معلمان مقطع متوسطهٔ شاغل در آموزش و پرورش شهرستان تکاب بوده است. حجم نمونه با فرض حداکثر ناهمگنی و مقدار خطای ۰/۰۵، ۲۵۵ نفر تعیین شده است. به‌منظور انتخاب نمونه‌ها به دلیل تنوع و تفاوت جامعه آماری از نظر متغیرهایی مانند جنسیت و نوع فعالیت، از نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب استفاده شده است.

جدول ۱: جامعه آماری و حجم نمونه بر اساس نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب

	زن		مرد		جمع	
	کل	نمونه	کل	نمونه	کل	نمونه
مدیرو معاون	۴۷	۱۶	۵۰	۱۷	۹۷	۳۳
مربی (پرورشی وتربیت بدنی)	۳۰	۱۰	۳۳	۱۱	۶۳	۲۱
مشاور تحصیلی	۲۵	۸	۲۷	۹	۵۲	۱۷
دبیر	۲۶۳	۸۷	۲۹۱	۹۷	۵۵۴	۱۸۴
جمع	۳۶۵	۱۲۱	۴۰۱	۱۳۴	۷۶۶	۲۵۵

منبع: کارگزینی آموزش و پرورش شهرستان تکاب، ۱۳۹۴

داده‌های گردآوری شده با نرم افزار SPSS و با کاربرد آماره‌های توصیفی و استنباطی مناسب مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

اعتبار شاخصها مبتنی بر اعتبار صوری است. بدین منظور ۱۰ نفر از صاحب‌نظران علوم اجتماعی به ارزیابی شاخصها پرداخته و اعتبار شاخصها با ارزیابی و جمع‌بندی نهایی نظرات داوران تائید شده است. روایی شاخصها نیز از طریق آلفای کرونباخ و همبستگی درونی گویه‌ها محاسبه شده است.

جدول ۲: محاسبه آلفای کرونباخ برای شاخصهای پژوهش

شاخص	مقدار آلفای کرونباخ
مشارکت در فعالیتهای عام‌المنفعه	۰/۹۱
مشارکت در فعالیتهای شهری و محلی	۰/۸۶
همبستگی اجتماعی	۰/۸۱
اعتماد اجتماعی	۰/۸۲
احساس بی‌قدرتی	۰/۷۶
احساس بی‌هنجاری	۰/۸۷
امنیت اجتماعی	۰/۸۶
میل به پیشرفت	۰/۷۲
مشارکت اجتماعی	**۰/۷۸**

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1398.16.1.3.8]

تحلیل نتایج و یافته‌های پژوهش

توصیف ویژگیهای عمومی جامعه مورد مطالعه

در پژوهش حاضر ۵۲ درصد از نمونه‌های مورد مطالعه را مردان و بقیه را زنان تشکیل می‌دهند. اکثریت جامعه مورد بررسی در گروه سنی ۳۰ تا ۴۰ سال قرار داشته اند و میانگین سنی در حدود ۳۶ سال بوده است. بیشتر پاسخگویان مدرک تحصیلی لیسانس و کمتر از ۱۰ درصد فوق‌دیپلم و تقریباً ۱۰ درصد نیز مدرک فوق‌لیسانس و بالاتر داشته اند. بیش از ۶۰ درصد جمعیت مورد مطالعه از نظر قومیتی ترک و در حدود ۳۶ درصد نیز کرد بوده اند. توزیع پاسخگویان بر اساس این متغیرها در جدول شماره ۳ آورده شده است.

جدول ۳: متغیرهای زمینه‌ای و ویژگیهای عمومی نمونه مورد مطالعه

متغیر	طیف	فراوانی	درصد	N
جنسیت	مرد	۱۳۴	۵۲/۵	۲۵۵
	زن	۱۲۱	۴۷/۵	
سن	کمتر از ۳۰ سال	۴۳	۱۶/۹	۲۵۵
	۳۰ تا ۴۰ سال	۱۵۲	۵۹/۶	
	بالاتر از ۴۰ سال	۶۰	۲۳/۵	
	میانگین سنی	۳۶/۴ سال		
تحصیلات	فوق دیپلم	۲۴	۹/۴	۲۵۵
	لیسانس	۲۰۴	۸۰	
	فوق لیسانس و بالاتر	۲۷	۱۰/۶	
قومیت	ترک	۱۵۶	۶۱/۲	۲۵۵
	کرد	۹۳	۳۶/۴	
	سایر	۶	۲/۴	

میزان مشارکت اجتماعی معلمان بر حسب مؤلفه‌ها و معرفهای شاخص مشارکت اجتماعی

مشارکت اجتماعی در این پژوهش بر اساس سه مؤلفه «مشارکت در امور عام‌المنفعه»، «مشارکت در امور شهری» و «عضویت در تشکلهای اجتماعی» مورد سنجش قرار گرفته است. نهایتاً با ترکیب این سه شاخص، شاخص ترکیبی مشارکت اجتماعی ساخته شده است.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1398.16.1.3.8]

جدول ۴: شاخص مشارکت اجتماعی، مولفه‌ها و معرفهای آن

متغیر	بعد	معرف	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین (۱-۵)	کل (N)
مشارکت اجتماعی	مشارکت در امور شهری	ساخت یا تعمیر مسجد و مدرسه و حسینیه	۲۵/۹	۱۸/۸	۳۷/۶	۱۲/۵	۵/۱	۲/۵۲	۲۵۵
		سرپرستی ایتام	۲۵/۵	۲۱/۶	۳۰/۶	۱۱/۸	۱۰/۶	۲/۶۰	
		و میانجیگری در اختلافات بین افراد	۲/۷	۱۱	۳۰/۶	۳۴/۵	۲۱/۲	۳/۶۰	
		اهداء خون به افراد نیازمند	۳۳/۳	۲۳/۱	۲۰/۸	۹/۴	۱۳/۳	۲/۴۶	
		کمک به آزادی زندانیان	۴۲/۷	۲۹/۴	۱۷/۳	۶/۳	۴/۳	۲	
		شرکت در تاسیس انجمنهای خیریه	۲۲	۲۰	۳۱/۸	۱۷/۶	۸/۶	۲/۷۱	
		شرکت در جشن نیکوکاری	۹/۸	۱۴/۹	۳۱/۸	۲۷/۸	۱۵/۷	۳/۲۴	
		خرید جهیزیه وکمک به خانواده نیازمند	۲۰	۱۸/۸	۳۲/۵	۱۶/۵	۱۲/۲	۲/۸۲	
		مشارکت در امور شهری	**۲۲/۷**	**۹/۷**	**۲۹/۱**	**۱۷/۱**	**۱۱/۴**	**۲/۷۴**	
	مشارکت در امور عام‌المنفعه	مشارکت در انتخابات	۸/۲	۵,۹	۱۰,۲	۲۲/۷	۵۲/۹	۴/۶	۲۵۵
		کمک به حل مسائل و مشکلات محله	۳/۹	۱۱	۲۷/۸	۳۲/۹	۲۴/۳	۳/۶۳	
		همکاری با همسایگان در مراسم	۲/۴	۳/۹	۲۳/۵	۳۵/۷	۳۴/۵	۳/۹۶	
		پاکسازی محیط شهری	۲/۴	۹/۸	۲۲/۷	۳۶/۹	۲۸/۲	۳/۷۸	
		درختکاری در شهر و محله	۱۴/۱	۲۵/۹	۲۳/۱	۱۹/۲	۱۷/۶	۳/۱	
		شرکت در مراسم مذهبی	۱۲/۹	۸/۶	۲۵/۹	۲۵/۹	۲۶/۷	۳/۴۵	
		ارائه پیشنهاد برای حل مشکلات محله	۶/۳	۱۵/۷	۴۱/۶	۲۳/۱	۱۳/۳	۳/۲۲	
		قبول مسئولیت برای امور عمومی	۷/۵	۲۰	۲۹/۴	۲۹	۱۴/۱	۳/۲۲	
		همکاری با همسایگان در امور عمومی	۳/۵	۶/۷	۲۰/۸	۳۶/۱	۳۲/۹	۳/۸۸	
		مشارکت در امور عام‌المنفعه	**۶/۸**	**۱۱/۹**	**۲۵**	**۲۹/۱**	**۲۷/۲**	**۳/۶**	
	عضویت در تشکلها	**عضویت در تشکلهای اجتماعی**	**۲۰/۷**	**۳۴/۱**	**۲۷/۸**	**۱۴/۳**	**۳/۲**	**۲/۴۳**	۲۵۵
		شاخص ترکیبی مشارکت اجتماعی	**۸/۷**	**۲۷/۴**	**۳۷/۳**	**۱۹**	**۷/۵**	**۲/۸۹**	

بر اساس نتایج جدول ۴ میزان مشارکت در امور عام‌المنفعه بیشتر از سطح متوسط (میانگین ۳) و در دو شاخص دیگر یعنی مشارکت در امور شهری و عضویت در تشکلهای اجتماعی کمتر از سطح متوسط است. میانگین شاخص ترکیبی «مشارکت اجتماعی» نیز میزانی کمتر از سطح متوسط را نشان می‌دهد.

توصیف متغیرهای تأثیرگذار بر مشارکت اجتماعی معلمان

متغیرهای «انسجام اجتماعی»، «احساس امنیت اجتماعی»، «میل به پیشرفت»، «اعتماد اجتماعی»، «احساس بی‌قدرتی» و «احساس بی‌هنجاری» متغیرهای ششگانه‌ای هستند که بر اساس چارچوب نظری به منزلهٔ متغیرهای تاثیرگذار بر مشارکت اجتماعی در پژوهش حاضر مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1398.16.1.3.8]

جدول ۵: توصیف متغیرهای تاثیرگذار بر مشارکت اجتماعی و معرفهای آنها

متغیر	بعد	معرف	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین (۵-۱)	کل (N)
متغیرهای تاثیرگذار بر مشارکت اجتماعی	انسجام اجتماعی	اهمیت دادن به دیگران در روابط اجتماعی	۰	۰/۸	۸/۲	۴۲/۷	۴۸/۲	۴/۳۸	۲۵۵
		کمک به دیگران به هنگام گرفتاری	۰	۱/۲	۲۶/۳	۴۲/۷	۲۹/۸	۴/۰۱	
		همراهی با مسئولان در حل مشکلات شهر و محله	۳/۹	۱۳/۳	۴۷/۱	۲۷/۸	۷/۸	۳/۲۲	
		احترام به حقوق دیگران	۰/۴	۱/۶	۷/۱	۳۷/۳	۵۳/۷	۴/۴۲	
		انتظار کمک ازدیگران هنگام رویارویی با مشکلات	۳/۹	۱۳/۳	۴۲	۲۶/۷	۱۴/۱	۳/۳۳	
		برقراری روابط انسان‌دوستانه با دیگران	۰/۴	۴/۷	۱۷/۶	۴۸/۶	۲۸/۶	۴/۰۱	
		انسجام اجتماعی	۲/۴	۱۶/۱	۳۳/۷	۳۲/۹	۱۴/۹	۳/۴۱	
	احساس امنیت اجتماعی	احساس امنیت در استفاده از ماشینهای مسافرکش	۵/۹	۱۸/۸	۵۰/۶	۱۹/۲	۵/۵	۳	۲۵۵
		بیان افکار سیاسی خود بدون ترس	۲۷/۵	۲۹/۴	۳۰/۶	۱۱/۸	۰/۸	۲/۳	
		امید به موفقیت خود در آینده	۸/۲	۲۰	۳۸	۲۵/۱	۸/۶	۳/۰۶	
		اطمینان از نگهداری پول و اشیای گرانبها در منزل	۱۶/۱	۲۲/۴	۳۴/۹	۱۷/۶	۹	۲/۸۱	
		قدم زدن در مسیرهای خلوت بدون ترس	۱۱/۸	۲۵/۵	۳۵/۷	۲۰	۷/۱	۲/۸۵	
		بدتر شدن وضعیت مادی مردم	۲۷/۸	۲۷/۱	۲۳/۱	۱۳/۷	۸/۲	۲/۴۷	
		احساس امنیت اجتماعی	۷/۸	۳۲/۲	۴۵/۹	۱۲/۲	۲	۲/۶۸	
	میل به پیشرفت	شرکت دردوره‌های برگزارشده مربوط به شغل	۱/۶	۲/۴	۱۵/۳	۳۹/۲	۴۱/۶	۴/۰۱	۲۵۵
		تلاش برای ارتقای موقعیت شغلی خود	۰/۸	۴/۳	۲۱/۶	۳۷/۶	۳۵/۷	۴/۰۳	
		تلاش برای ارتقای سطح تحصیلات خود	۲/۷	۱۰/۶	۲۳/۱	۲۹/۴	۳۴/۱	۳/۸۲	
		میزان شرکت در مسابقات علمی	۱۳/۳	۲۲	۳۷/۶	۲۰	۷/۱	۲/۸۵	
		اعتقاد به شانس در پیشرفتها و موفقیتها	۷/۵	۱۰/۲	۱۸/۸	۳۱	۳۲/۵	۳/۷۰	
		میل به پیشرفت	۲	۱۰/۲	۲۴/۳	۴۳/۱	۲۰/۴	۳/۶۹	
			کاملاً مخالف	**مخالف**	**بینابین**	**موافق**	**کاملاً موافق**	**میانگین (۵-۱)**	**کل (N)**
	اعتماد اجتماعی	یکی نبودن ظاهر و باطن مردم	۰/۸	۱/۲	۱۱/۴	۳۶/۱	۵۰/۶	۱/۶۵	۲۵۵
		باور به صداقت و تعهد مسئولان	۱۶/۱	۳۳/۷	۳۲/۹	۱۴/۵	۲/۷	۲/۵۴	
		سوء استفاده مردم از فرصتهای موجود	۳/۵	۹/۴	۲۲	۵۲/۵	۱۲/۵	۲/۳۹	
		اعتقاد به صداقت و راستگویی اکثریت افراد جامعه	۱۱/۴	۳۹/۶	۲۵/۹	۲۲/۴	۰/۸	۲/۶۱	
		عدم اعتماد به مسئولان در حل مشکلات	۲/۴	۱۴/۹	۲۸/۶	۴۱/۲	۱۲/۹	۲/۵۲	
		عدم پایبندی مردم به قول و قرارها	۵/۵	۳۴/۵	۳۳/۳	۲۲/۷	۳/۹	۲/۸۵	
		اعتماد اجتماعی	۷/۸	۳۰/۲	۳۸	۲۰/۴	۳/۵	۲/۸۲	
	احساس بی‌قدرتی	نقش کمرنگ مردم در اداره امور سیاسی جامعه	۱۲/۲	۲۳/۱	۱۶/۵	۳۰/۶	۱۷/۶	۲/۸۲	۲۵۵
		احساس ناتوانی درمواجهه باتحولات جهان امروز	۵/۵	۳۱/۴	۳۰/۶	۲۳/۹	۸/۶	۲/۹۹	
		باور به نقش مردم در انتخاب حاکمان	۱۶/۱	۲۳/۵	۲۱/۲	۲۵/۵	۱۳/۷	۳/۰۳	
		اطمینان از انعکاس مشکلات به دولت	۱۴/۱	۲۵/۱	۲۲/۴	۲۷/۸	۱۰/۶	۳/۰۴	
		باور به ناکارآمدی خود در تاثیرگذاری بر جامعه	۱۰/۶	۳۳/۷	۱۵/۳	۲۹	۱۱/۴	۲/۹۷	
		احساس بی‌قدرتی	۱۲/۲	۲۸/۶	۲۷/۵	۲۲/۴	۹/۴	۲/۸۸	
	احساس بی‌هنجاری	بهبود روز به روز وضعیت مردم عادی	۲/۷	۱۸/۴	۱۶/۹	۳۸/۸	۲۳/۱	۳/۶۱	۲۵۵
		وجود راههای قانونی برای دستیابی به اهداف	۵/۹	۲۴/۳	۱۷/۶	۴۳/۵	۸/۶	۲/۷۵	
		پیشرفت نظام‌مند کارها در جامعه	۱۳/۷	۴۱/۲	۲۸/۲	۱۵/۳	۱/۶	۳/۵۰	
		احساس بیهوده بودن زندگی	۲۵/۵	۴۵/۹	۱۳/۳	۹	۶/۳	۲/۲۵	
		از بین رفتن محبت دیرین در میان افراد جامعه	۰/۴	۱۷/۶	۱۴/۵	۴۷/۱	۲۰/۴	۳/۷۰	
		عدم اطمینان به آینده	۱/۶	۱۳/۷	۹/۸	۴۹/۴	۲۵/۵	۳/۸۳	
		احساس بی‌هنجاری	۸/۶	۲۲/۴	۳۶/۵	۲۵/۹	۶/۷	۲/۹۹	

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1398.16.1.3.8]

بر اساس نتایج به دست آمده، میانگین شاخص «انسجام اجتماعی» در دامنه ۱ تا ۵ برابر ۳/۴۱، میانگین شاخص «احساس امنیت اجتماعی» برابر ۲/۶۸، میانگین شاخص «میل به پیشرفت» برابر ۳/۶۹، شاخص «اعتماد اجتماعی» برابر ۲/۸۲، شاخص «احساس بی‌قدرتی» برابر ۲/۸۸، و شاخص «احساس بی‌هنجاری» برابر ۲/۹۹ است.

از این رو، میزان «میل به پیشرفت» و «انسجام اجتماعی» در میان جامعه مورد مطالعه بیشتر از سطح متوسط و میزان «احساس بی‌هنجاری»، «احساس امنیت اجتماعی» و «احساس بی‌قدرتی» کمتر از سطح متوسط است. توزیع هر یک از این شاخصها و معرفهای آنها در جدول ۵ آمده است.

عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی معلمان (آزمون فرضیات)

مسئله اصلی مقاله حاضر بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی معلمان است. به این منظور و با استناد به چارچوب نظری مقاله، رابطه برخی متغیرهای اجتماعی تأثیرگذار و همچنین برخی متغیرهای زمینه‌ای و جمعیت‌شناختی با مشارکت اجتماعی معلمان از طریق آزمونهای متفاوت آماری مورد سنجش قرار گرفته است. جداول ۶ و ۷ نتایج آزمونهای این رابطه را نشان می‌دهد.

جدول ۶: آزمون رابطه میان متغیرهای زمینه‌ای و مشارکت اجتماعی

متغیر وابسته	متغیر مستقل		میانگین	آزمونها					
مشارکت اجتماعی	جنسیت	مرد	۵۷/۸۵	آزمون لون	F	۰/۱۹۴	آزمون T	T	۰/۴۸۰
		زن	۵۷/۰۵		Sig.	۰/۶۶۰		Sig.	۰/۶۳۲
	قومیت	ترک	۵۸/۳۳		F	۰/۸۰۷		T	۲/۸۸
		کرد	۵۰/۲۵		Sig.	۰/۳۷۰		Sig.	۰/۰۰۴
	تحصیلات	فوق‌دیپلم	۵۹/۹۶	آزمون F	F	۴/۷۷۶	آزمون تعقیبی شفه	فوق‌دیپلم	Sig.= ۰/۰۳۲
		لیسانس	۵۸/۱۳				فوق‌لیسانس و بالاتر	لیسانس	Sig.= ۰/۰۱۵
		فوق‌لیسانس و بالاتر	۵۰/۳۴		Sig.	۰/۰۰۹			
	سن			ضریب همبستگی پیرسون	R	۰/۱۵۴			
					Sig.	۰/۰۱۴			

آزمون رابطه متغیرهای زمینه‌ای و مشارکت اجتماعی بیانگر این است که متغیرهای جنسیت و قومیت رابطه ای معنادار با مشارکت اجتماعی ندارند (Sig.> ۰/۰۵). در مقابل آزمون رابطه میان متغیرهای تحصیلات و سن با مشارکت اجتماعی معنادار (Sig.< ۰/۰۵) است. در مورد شاخص تحصیلات نتایج نشان می‌دهد که میانگین مشارکت اجتماعی گروه تحصیلی فوق‌دیپلم و لیسانس تفاوتی معنادار با میانگین مشارکت اجتماعی گروه تحصیلی فوق‌لیسانس و بالاتر دارد. به عبارت

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1398.16.1.3.8]

دیگر گروه تحصیلی فوق‌دیپلم و لیسانس مشارکت اجتماعی بیشتری نسبت به گروه تحصیلی فوق‌لیسانس و بالاتر دارند. در مورد شاخص سن نیز بر اساس مقدار ضریب همبستگی (۰/۱۵۴) و باوجود ضعیف بودن رابطه همبستگی می‌توان گفت که با افزایش سن مشارکت اجتماعی نیز افزایش می‌یابد.

جدول ۷: آزمون رابطه میان متغیرهای اجتماعی با شاخص مشارکت اجتماعی

متغیر وابسته	ضریب همبستگی	متغیرهای مستقل					
		انسجام اجتماعی	اعتماد اجتماعی	احساس بی‌قدرتی	احساس بی‌هنجاری	احساس امنیت اجتماعی	میل به پیشرفت
مشارکت اجتماعی	R پیرسون	۰/۶۲۰	۰/۱۳۹	-۰/۳۱۲	-۰/۱۹۶	۰/۲۰۹	۰/۳۲۳
	Sig.	۰/۰۰۰	۰/۰۲۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰
	N	۲۵۲	۲۵۲	۲۵۲	۲۵۲	۲۵۲	۲۵۲

بررسی رابطه شاخصهای اصلی پژوهش با مشارکت اجتماعی بیانگر این است که همه شاخصهای مورد بررسی با متغیر وابسته یعنی «مشارکت اجتماعی» دارای رابطهٔ معنادارند. شاخصهای «انسجام اجتماعی»، «اعتماد اجتماعی»، «احساس امنیت اجتماعی» و «میل به پیشرفت» رابطه مثبت و مستقیم با مشارکت اجتماعی دارند. به این معنا که با افزایش میزان این شاخصها مشارکت اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. در مقابل رابطه شاخصهای «احساس بی‌هنجاری» و «احساس بی‌قدرتی» با «مشارکت اجتماعی»، منفی و معکوس است.

تحلیل رگرسیون چندگانه و مدل مسیر عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی معلمان

از طریق تحلیل رگرسیون چندگانه تأثیر همزمان و علّی متغیرهای مستقل (متغیرهای زمینه‌ای و متغیرهای اصلی) بر مشارکت اجتماعی معلمان مورد سنجش قرار گرفته است. نتایج این تحلیل (جدول ۸) بر اساس آزمون F بیانگر معنادار بودن مدل رگرسیونی است و مقدار R نیز ضریب همبستگی چندگانه را در سطح بالا (۰/۶۷) نشان می‌دهد. مجموعه متغیرهای مستقل وارد شده در مدل بر اساس ضریب تعیین تعدیل‌شده می‌توانند ۰/۴۳ از واریانس مشارکت اجتماعی را تبیین کنند.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1398.16.1.3.8]

جدول ۸: نتایج ضریب همبستگی چندگانه(R)، ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده و آزمون F

روش	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	آزمون F	سطح معناداری
Enter	۰/۶۷	۰/۴۵	۰/۴۳	۱۹/۶۹۸	۰/۰۰۰

متغیرهای «سن»، «انسجام اجتماعی»، «احساس بی‌قدرتی» و «میل به پیشرفت» دارای تأثیر معنادار بر مشارکت اجتماعی اند و سایر متغیرها به دلیل فقدان تأثیر معنادار از مدل خارج شده‌اند. «انسجام اجتماعی» با ضریب بتای ۰/۵۲۱ بیشترین تأثیر را در «مشارکت اجتماعی» دارد. «احساس بی‌قدرتی»، «سن» و «میل به پیشرفت» نیز به ترتیب با ضرایب بتای ۰/۱۶۶- ، ۰/۱۳۸ و ۰/۱۲۵ در مراتب بعدی قرار دارند. متغیر «احساس بی‌قدرتی» دارای تأثیر منفی و معکوس و سایر متغیرها تأثیر مثبت و مستقیم بر مشارکت اجتماعی دارند.

جدول ۹: متغیرهای وارد شده در مدل، ضرایب بتا و آماره‌های همخطی

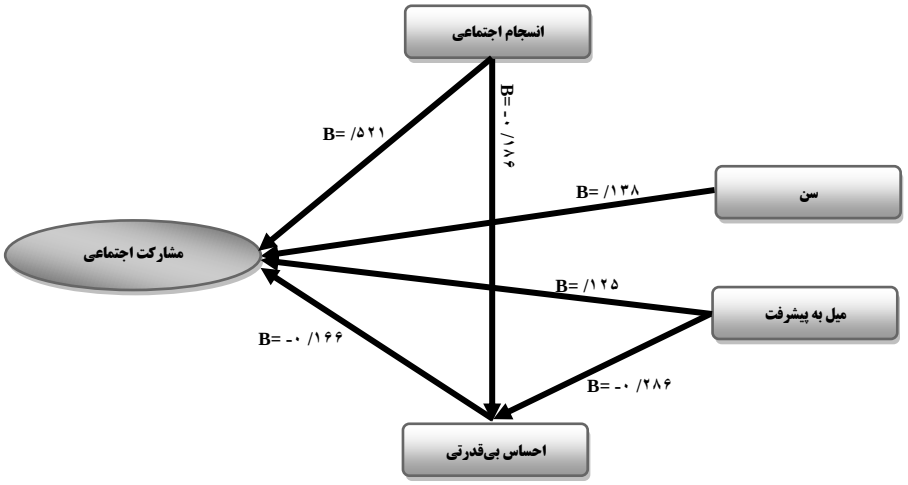
متغیرهای مستقل	ضرایب استاندارد Beta	آزمون(t)	سطح معناداری	شاخص «میزان تحمل[1]»	شاخص «عامل تورم واریانس»[2]
انسجام اجتماعی	۰/۵۲۱	۹/۷۷۵	۰/۰۰۰	۰/۸۰۴	۱/۲۴۳
سن	۰/۱۳۸	۲/۶۶۸	۰/۰۰۸	۰/۸۵۴	۱/۱۷۱
میل به پیشرفت	۰/۱۲۵	۲/۳۳۲	۰/۰۲۱	۰/۷۹۶	۱/۲۵۷
احساس بی‌قدرتی	-۰/۱۶۶	-۲/۲۱۲	۰/۰۲۸	۰/۴۰۶	۲/۴۶۲
تحصیلات	-۰/۰۹۲	-۱/۸۵۳	۰/۰۶۵	۰/۹۲۳	۱/۰۸۳
اعتماد اجتماعی	-۰/۰۸۰	-۱/۲۵۵	۰/۲۱۱	۰/۵۶۴	۱/۷۷۲
قومیت	-۰/۰۵۵	-۱/۱۲۴	۰/۲۶۲	۰/۹۴۹	۱/۰۵۳
جنسیت	-۰/۰۳۰	-۰/۵۸۱	۰/۵۶۲	۰/۸۳۷	۱/۱۹۵
احساس امنیت اجتماعی	-۰/۰۱۸	-۰/۳۱۱	۰/۷۵۶	۰/۶۵۲	۱/۶۳۳
احساس بی‌هنجاری	-۰/۰۱۷	-۰/۲۲۸	۰/۸۲۰	۰/۴۱۱	۲/۴۳۶

متغیر وابسته: مشارکت اجتماعی

نهایتاً با محاسبه تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (مشارکت اجتماعی) مدل مسیر در شکل شماره ۲ ترسیم شده است.

1. Tolerance
2. Variance Inflation Factor (VIF)

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1398.16.1.3.8]



شکل ۲: مدل مسیر

بر اساس مدل مسیر محاسبه شده متغیرهای «سن» و «احساس بی‌قدرتی» فقط دارای تأثیر مستقیم و متغیرهای «میل به پیشرفت» و «انسجام اجتماعی» علاوه بر تأثیرات مستقیم همچنین دارای اثرات غیرمستقیم بر مشارکت اجتماعی هستند. اثرات مستقیم، غیرمستقیم و مجموع اثرات متغیرهای تأثیرگذار بر مشارکت اجتماعی معلمان در جدول شماره ۱۰ تلخیص شده است.

جدول ۱۰: مجموع تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر مشارکت اجتماعی

رتبه	متغیرهای مستقل	اثرات مستقیم	اثرات غیرمستقیم	مجموع تاثیرات مستقیم و غیرمستقیم(اثر کل) هر متغیر
۱	انسجام اجتماعی	۰/۵۲۱	۰/۰۳۱	۰/۵۵۲
۲	احساس بی‌قدرتی	-۰/۱۶۶	ندارد	-۰/۱۶۶
۳	سن	۰/۱۳۸	ندارد	۰/۱۳۸
۴	میل به پیشرفت	۰/۱۲۵	-۰/۰۴۷	۰/۰۷۸

متغیر وابسته: مشارکت اجتماعی

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه اهمیت مشارکت اجتماعی در ادبیات نوین توسعه و تأکید بر نقش و تأثیر انکارناپذیر آن در توسعه همه جانبه، در پژوهش حاضر تلاش شده است تا موضوع مشارکت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در شهرستان تکاب به شیوه‌ای تجربی بررسی شود. شهری که در حال حاضر با محرومیتهای اقتصادی و اجتماعی متعدد دست به گریبان است و به نظر می‌رسد بخشی از این محرومیت ناشی از عدم مداخله شهروندان و به ویژه گروههای مهم و تاثیرگذار چون دانشجویان، معلمان، بازاریان و غیره در امور عمومی و نقش منفعلانه آنها در مواجهه با مسائل

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1398.16.1.3.8]

اجتماعی ـ اقتصادی باشد. نتایج توصیفی مطالعه حاضر در مورد میزان مشارکت اجتماعی معلمان ـ به مثابه نخبگان مرجع برای دانش‌آموزان و الگو برای سایر اقشار جامعه ـ بیانگر سطح مشارکت بسیار نازل و محدود است و به نظر می‌رسد رفتار و کنشهای اجتماعی معلمان نیز تا حدود زیاد متأثر از فرهنگ فردگرایانه و رفتار جمعی خاص‌گرایانه حاکم بر کنش اجتماعی ایرانیان است. نتیجه‌ای که در مطالعات متعدد پیشین از جمله مطالعه یزدان‌پناه (۱۳۸۶)، پیران (۱۳۷۷)، عظیمی (۱۳۹۳) و عبدالهی (۱۳۸۳) نیز مورد تأئید قرار گرفته است. بر اساس یافته‌ها در ابعاد سه‌گانه مشارکت اجتماعی جز در مؤلفهٔ «مشارکت در امور عام‌المنفعه» که در سطح تقریباً متوسط است، در دو مولفهٔ دیگر یعنی «مشارکت در امور شهری» و «عضویت در تشکلهای اجتماعی» مشارکت اجتماعی معلمان کمتر از سطح متوسط است.

بر اساس نتایج تبیینی و آزمون فرضیه‌ها در میان متغیرهای زمینه‌ای فقط متغیرهای تحصیلات و سن بر مشارکت اجتماعی تأثیر دارند. معلمان با تحصیلات بالاتر مشارکت اجتماعی کمتری نسبت به معلمان فوق‌دیپلم و لیسانس دارند و در مورد متغیر سن نیز یافته‌ها نشان می‌دهند مشارکت در میان گروههای مسن‌تر بیشتر است. آزمون تأثیر متغیرهای اصلی بر مشارکت اجتماعی در واقع تأئیدکننده رویکرد نظری مقاله است. شاخصهای «انسجام اجتماعی»، «اعتماد اجتماعی»، «احساس امنیت اجتماعی» و «میل به پیشرفت» منطبق با دیدگاههای نظری رابطه مثبت و مستقیم با مشارکت اجتماعی دارند و در مقابل رابطه شاخصهای «احساس بی‌هنجاری» و «احساس بی‌قدرتی» با «مشارکت اجتماعی» منفی و معکوس است. نتایج تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر نیز بیانگر این است که متغیرهای وارد شده در مدل در مجموع می‌توانند ۴۳ درصد از واریانس مشارکت اجتماعی را تبیین کنند.

این نتایج همسو با پژوهشهای تجربی پیشینی است که در تبیین مشارکت اجتماعی برخی از متغیرهای مورد آزمون در مطالعه حاضر را مورد تحلیل قرار داده‌اند. انسجام اجتماعی از مهم‌ترین متغیرهای تبیین‌کننده مشارکت اجتماعی در پژوهش حاضر است. نتیجه‌ای که با یافته‌های مطالعات دیگر مانند پژوهش ازکیا و غفاری (۱۳۸۰) در مورد تأثیرات انسجام اجتماعی همگرایی نشان می‌دهد. تأثیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت اجتماعی در این مطالعه نیز همانند بسیاری از مطالعات پیشین مورد تأئید قرار گرفته است (از جمله دهقان و غفاری، ۱۳۸۴ و نوابخش و همکاران، ۱۳۹۳)، گرچه در تحلیل چند متغیری که احتمالاً به دلیل همخطی بالا با سایر متغیرها از جمله انسجام اجتماعی از مدل حذف شده است. احساس بی‌قدرتی به مثابه متغیری که اثر معکوس بر

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1398.16.1.3.8]

مشارکت اجتماعی دارد از متغیرهای تعیین‌کننده در مدل مسیر است. سفیری و صادقی (۱۳۸۸) و یزدان‌پناه (۱۳۸۶) نیز در مطالعاتی دیگر در مورد رابطه احساس بی‌قدرتی و مشارکت اجتماعی به نتایجی مشابه رسیده اند. همچنین نتایج این مقاله در مورد شاخص بی‌هنجاری و تأثیر منفی آن بر مشارکت اجتماعی با مطالعه علمی و همکاران (۱۳۸۹) منطبق است.

پیشنهادات کاربردی

با توجه به یافته‌های پژوهش و به منظور تقویت مشارکت اجتماعی در جامعه ـ به مثابه یکی از شاخصهای توسعه چندجانبه و پایدار ـ می‌توان پیشنهاداتی کاربردی ارائه داد که عبارت اند از:

- «انسجام اجتماعی» مهم‌ترین شاخص تأثیرگذار بر مشارکت اجتماعی معلمان است. از این رو تقویت احساسات جمعی و ملی، کاهش تنشهای اجتماعی و تلاش برای تقویت هویت اجتماعی ضرورت اساسی دارد. دولت و نهادهای اجتماعی می‌توانند نقشی اساسی در این زمینه ایفا کنند. تأکید فزاینده بر عناصر مشترک هویت ملی در کنار پاسداشت و احترام به مؤلفه‌های هویت بومی و محلی در فرایندهای جامعه‌پذیری به‌ویژه در مجموعه ساز و کارهایی که نهاد آموزش و پرورش عهده‌دار آن است، اقدامات و برنامه‌های اصلاح‌گرانه دولت در توزیع برابرانه فرصتها و امکانات در مناطق گوناگون جغرافیایی و مبارزه با هرگونه تبعیض در اشکال قومی، مذهبی و سیاسی آن نخستین راهکارهای تقویت انسجام اجتماعی است.
- اعتماد اجتماعی به مثابه مؤلفه تأثیرگذار بر مشارکت اجتماعی بیش از هر چیز متأثر از انسجام اجتماعی است. در شرایطی که انسجام اجتماعی ضعیف باشد انتظار اینکه اعتماد اجتماعی فزونی یابد، واقع‌بینانه نیست. با وجود این با گسترش ارتباطات اجتماعی و ایجاد زمینه‌های متعدد برای درگیر ساختن معلمان در روابط و تعاملات اجتماعی برون‌گروهی می‌توان اعتماد اجتماعی را افزایش داد.
- تقویت و حمایت از سازمانهای مردم‌نهاد (سَمَن‌ها)[1] یکی از شناخته‌شده‌ترین راه‌حلهای افزایش اعتماد اجتماعی و سرمایه اجتماعی است. از این رو نه تنها باید محدودیتهای موجود در توسعه این سازمانها برداشته شود باید حمایت مالی و اجتماعی بیشتری از آنها به عمل آید و زمینه‌های فعالیت آنها بیش از پیش تسهیل شود.

1. NGO

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1398.16.1.3.8]

- احساس امنیت اجتماعی و ارتقای آن وابسته به شاخصهای عینی امنیت اجتماعی (امنیت جانی، مالی، آزادیهای اجتماعی، بهبود وضعیت اقتصادی) است که از الزامات و ضرورتهای زندگی جمعی و وظیفه اصلی نهادهای حاکمیتی است.
- داشتن تمایل به پیشرفت به مثابه یکی دیگر از متغیرهای تأثیرگذار مستلزم جامعه‌پذیری فرهنگی مطلوب و عملکرد نهادهایی چون خانواده، آموزش و پرورش و رسانه‌های جمعی به‌ویژه تلویزیون است.
- احساس بی‌هنجاری و احساس بی‌قدرتی به منزله شاخصهای منفی در مشارکت اجتماعی در سطح نخست متأثر از وضعیت آسیب‌شناسانه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. قانون‌مداری، جلب مشارکت اجتماعی مردم در فعالیتهای گوناگون و تقویت ارتباط و تعامل دوسویه میان دولت و شهروندان از مهم‌ترین راهکارهایی است که می‌تواند در کاهش احساسات آسیب‌شناختی مذکور مؤثر باشد.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1398.16.1.3.8]

منابع

احمدوند، مصطفی و شریف‌زاده، مریم. (۱۳۹۰). تعیین‌کننده‌های مشارکت اجتماعی زنان روستایی: مورد مطالعه شهرستان بویراحمد. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۹(۳)، ۱۳۹-۱۶۶.

ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۰). بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی **روستایی** شهرستان کاشان. *نامهٔ علوم اجتماعی*، *۱۷*(۱۷)، ۳-۳۱.

اسدپور، عهدیه؛ انتظاری، علی و احمدی‌آهنگ، کاظم. (۱۳۹۷). مشارکت اجتماعی رسمی و غیررسمی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: شهرستان آمل). *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۹(۳)، ۶۷-۸۶.

اعظم‌آزاده، منصوره و مشتاقیان، مرضیه. (۱۳۹۵). موانع مشارکت زنان در فرایند توسعهٔ اجتماعی. *مسائل اجتماعی ایران*، *۷*(۱)، ۳۱-۵۵.

اینگلهارت، رونالد. (۱۳۷۳). *تحول فرهنگی در جامعهٔ پیشرفته صنعتی*، ترجمه مریم وتر. تهران: انتشارات کویر.

پاتنام، روبرت. (۱۳۸۰). *دمکراسی و سنت‌های مدنی (تجربه ایتالیا و درس‌هایی برای کشورهای در حال گذار)*، ترجمه محمدتقی دلفروز. تهران: روزنامه سلام.

پناهی، محمدحسین و دهقانی، حمید. (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر شادی دانشجویان با تاکید بر مشارکت اجتماعی. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۳(۳)، ۱-۱۸.

پیران، پرویز. (۱۳۷۷). شهر شهروندمدار، طرح شهردار مدرسه؛ پیش به سوی مشارکت‌های اجتماعی در حیطه‌های رسمی. *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، *۱۲*، شماره ۱۳۱- ۱۳۲.

خانیکی، هادی و الوندی، پدرام. (۱۳۹۰). مشارکت اجتماعی آنلاین و توسعه اجتماعات محلی در ایران. *رفاه اجتماعی*، *۱۱*(۴۱)، ۳۹-۶۷.

دورکیم، امیل. (۱۳۸۱). *درباره تقسیم کار اجتماعی*، ترجمه باقر پرهام. تهران: نشر مرکز.

دهقان، علیرضا و غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۴). تبیین مشارکت اجتماعی- فرهنگی دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی شهر تهران. *مجله جامعه شناسی ایران*، *۶*(۱)، ۶۷-۹۸.

روشه، گی. (۱۳۹۱). *جامعه شناسی تالکوت پارسونز*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: نشر نی.

سریع القلم، محمود. (۱۳۹۶). *عقلانیت و آینده توسعه یافتگی ایران*. تهران: نشر فرزان روز.

سفیری، خدیجه و صادقی، مریم. (۱۳۸۸). مشارکت اجتماعی دانشجویان دختر دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاههای شهر تهران و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن. *جامعه شناسی کاربردی*، ۲۰(۲)، ۱-۳۴.

عبداللهی، محمد. (۱۳۸۳). زنان و نهادهای مدنی: مسائل، موانع و راهبردهای مشارکت مدنی زنان در ایران. *مجله جامعه شناسی ایران*، ۵(۲)، ۶۳-۹۹.

عظیمی، حسین. (۱۳۹۳). *مدارهای توسعه نیافتگی در ایران*. تهران : نشر نی.

علمی، محمود؛ تقی‌لو، فرامرز و موسی‌زاده رحیم. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بیگانگی اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد نقده. *مطالعات جامعه شناسی*، ۲(۶)، ۱۳۱-۱۵۴.

علیزاده، کتایون؛ رضوی‌نژاد، مرتضی و رادفر، مینا. (۱۳۹۲). بررسی نقش و مشارکت مردم در اداره امور شهری (نمونه موردی منطقه ۱۰ شهرداری مشهد). *فصلنامه مطالعات ساختار و کارکرد شهری*، *۱*(۱)، ۶۱-۸۷.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1398.16.1.3.8]

غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۰). *تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت اجتماعی ـ اقتصادی سازمان‌یافته روستائیان به عنوان مکانیزمی برای توسعه روستایی ایران (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان کاشان). رساله دکتری دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.*

فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۸۴). *سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی*، ترجمه افشین خاکباز و دیگران. تهران: نشر شیرازه.

کلمن، جیمز. (۱۳۸۶). *بنیادهای نظریه اجتماعی*، ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.

محسنی‌تبریزی، علیرضا. (۱۳۷۵). بیگانگی؛ مانعی برای مشارکت و توسعه ملی: بررسی رابطه میان بیگانگی و مشارکت اجتماعی و سیاسی. *نامه پژوهش*، پیش شماره ۱، ۸۹-۱۱۰.

محمدی، فرحناز و ستاره‌فروزان، آمنه. (۱۳۹۲). عوامل تسهیل‌گر و بازدارنده مشارکت اجتماعی ساکنین منطقه دو تهران در ارتقای سلامت. *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین، ۱۷*(۴)، ۲۵-۳۱.

ناطق‌پور، محمدجواد و گلابی، فاطمه. (۱۳۸۵). تأثیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت با تاکید بر نقش و عملکرد شوراهای اسلامی (مطالعه موردی استان آذربایجان شرقی). *جغرافیا و برنامه‌ریزی*، (۲۱)، ۱-۳۴.

نوابخش، مهرداد؛ رضایی، محمد و رحیمی، ماریا. (۱۳۹۳). بررسی رابطه میزان اعتماد شهروندان با میزان مشارکت اجتماعی آنان (مطالعه موردی: شهر ایلام). *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، ۴(۱۰)، ۱-۲۷.

وحیدا، فریدون و نیازی، محسن. (۱۳۸۳). تأملی در مورد رابطه بین ساختار و مشارکت اجتماعی در شهر کاشان. *نامه علوم اجتماعی، ۱۱*(۳)، ۱۱۷-۱۴۵.

یزدان‌پناه، لیلا. (۱۳۸۶). موانع مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی. *رفاه اجتماعی، ۷*(۲۶)، ۱۰۵-۱۳۰.

Avant, D. (2007). NGOs, corporations and security transformation in Africa. *International Relations*, *21*(2), 143-146.

Fukuyama, F. (2000). *The great disruption: Human nature and the reconstitution of social order*. New York: Free Press.

Greiner, K.A., Li, C., Kawachi, I., Hunt, D.C., & Ahluwalia, J.S. (2004). The relationships of social participation and community ratings to health and health behaviors in areas with high and low population density. *Social Science & Medicine*, *59*(11), 2303-2312.

Kelly, D. C. (2009). In preparation for adulthood: Exploring civic participation and social trust among young minorities. *Youth & Society*, *40*(4), 526-540.

Lee, H.Y., Jang, S.N., Lee, S., Cho, S.I., & Park, E.O. (2008). The relationship between social participation and self-rated health by sex and age: A cross-sectional survey. *International Journal of Nursing Studies*, *45*(7), 1042-1054.

McClelland, D. C. (1965). Achievement motivation can be developed. *Harvard Business Review*, *43*(6), 6-24.

Philips, D. L. (1967). Mental health status, social participation and happiness. *Journal of Health and Social Behavior*, *18*(4), 285-291.

Putnam, R. D. (1995). Tuning in, tuning out: The strange disappearance of social capital in America. *Political Science and Politics*, *28*(4), 664-683.

Seeman, M. (1959). On the meaning of alienation. *American Sociological Review*, *24*, 783-791.

Sirven, N., & Debrand, T. (2008). Social participation and healthy ageing: An international comparison using SHARE data. *Social Science & Medicine*, *67*(12), 2017-2026.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1398.16.1.3.8]